سه محمل برای روایات قضاء صوم یوم الشک

الف) الفریضة لاتودی علی الشک

ظاهر حدیث این است که کلاً روزه یوم الشک بیفایده است. یعنی چون شک داری اصلاً روزه، روزه نمیشود. یعنی ظاهرش یک معارضهای دارد. یعنی حتی اگر نیت شعبان کردی ممکن است که بگویی من که جازم هستم! ولی خب نیت ماه شعبان کردی و نیت ماه مبارک نکردی. فریضهای را هم که باید با یقین انجام شود را انجام ندادهای. این یک جور ظهوری دارد که وقتی با شک روزه گرفتی، لاتودی علی الشک. یعنی تاب این را دارد که حتی جایی را شامل شود که نیت شعبان کردی. چرا؟ چون شما که نیت شعبان کردی و فریضه را هم که نیت نکردی، ان الفریضة لاتودی علی الشک؛ لذا باید قضا کنید.

ب) مشهور اصحاب: صامه علی انه من رمضان

وجه دیگری هم دارد که وجه مشهور بود. محمل مشهور این بود: یعنی چون «یشک من رمضان او شعبان صامه علی انه من رمضان». این محمل مشهور برای جمع است.

ج) رد روایات عدد

محمل دیگری هم فرموده بودند و قبلاً هم اشاره شد، بحث روایات عدد است. «ان الفرائض لاتودی علی الشک»، محملش برای جمع این میشود که فرائض را با حالت قطع به ماه مبارک میگیری که با این روایت جور نیست. این روایت میگوید «ان الفرائض لاتودی علی الشک»، یعنی همین که خود روز، مشکوک بود اتیان به آن فایده ندارد. خب برای اینکه ما این تعلیل روایت را جبران کنیم، میگوییم فرض بگیریم کسی روی حساب توهم خودش در یوم الشک توهم کرد که ماه مبارک

است و نیت جازم کرد که «اصوم علی انه من شهر رمضان»، این روایت او را می‌گیری ای نه؟ فرض گرفتیم که یوم الشک بود اما او توهم کرد. با توهم خودش قصد جازم شهر مبارک کرد و بعد متبین شد که از ماه مبارک است.

شاگرد: چه توهمی کرد؟

استاد: توهم اینکه از شهر مبارک است. برای اینکه فقط قصد او را تصحیح کنیم. حضرت فرمودند «ان الفرائض لاتودی علی الشک»، این را می‌گیری ای نمی‌گیری؟

شاگرد: ظاهراً نمی‌گیری.

استاد: چون با توهم قطع بوده و بعداً هم معلوم می‌شود ماه مبارک بوده. پس باید مجزی باشد. آن دو روایتی که در وسائل بود او را می‌گیری ای نه؟ «في الرجل يصوم اليوم الذي يشك فيه من رمضان، فقال: عليه قضاؤه وإن كان ذلك»، ان کان کذلک، یعنی ماه مبارک باشد. خب کسی که توهم کرد و قصد ماه مبارک کرد، باید قضا کند ای نه؟ ببینید او توهم کرده و بعداً فهمید که عجب! این توهم من درست بوده. یعنی جهل مرکب نبود. ولی آن وقت او بیخودی توهم کرد؛ حتی اگر خودش هم توجه می‌کرد توهمش از بین می‌رفت. ولی فعلاً متوهم بود که ماه مبارک است و روزه را جزما علی انه من شهر رمضان گرفت. خب حالا طبق محملی که مشهور آوردند چه؟ مشهور فرمودند «ان صامه علی انه من شهر رمضان فباطل و ان صامه علی انه من شهر شعبان فمجزیه ان تبین»، این کدام یکی از آن‌ها است؟ بنابر مبنای مشهور این باطل است ای درست است؟ توهم کرده که ماه مبارک است، جزما نیت ماه مبارک کرد، مشهور می‌گویند این درست است ای باطل است؟

> 37:26

شاگرد: باطل است.

استاد: چرا؟ چون یوم الشک است واقعاً، او توهم کرده بود. توهم او که کاری را درست نمی‌کند. پس یوم الشک بود اما او «صامه علی انه من شهر رمضان». اطلاق عبارتشان اینجا را می‌گیرد.

خب حالا برای دو روایتی که در وسائل هست، محمل دیگری محتمل هست ای نه؟ «ازیده»ای که صحبتش بود. آن محتمل همین است که وقتی روایات عدد را جلو می‌آوری مطرح می‌شود. یکی وقتی «صامه و ازیده» یعنی به حمل شایع، ولو نیت ماه شعبان کرد. یکی هم محمل مشهور است که الآن گفتیم؛ صامه علی انه من شهر رمضان. مشکلی که این محمل مشهور داشت ندرت وقوعش بود. ندرت وقوع چه بود؟ اینکه با اینکه نمی‌دانند ماه مبارک است اما باز بگوید که من ماه مبارک را روزه می‌گیرم. همان اول این اشکال را داشتیم. ندرت وقوعش را چه کار کنیم؟ یک احتمالی هست که به این ندرت وقوع جواب می‌دهد. خیلی خوب حلش می‌کند؛ البته با فضای روایات عدد. محمل سومی برای روایات می‌شود غیر از جمع مشهور. آن این است:

روایاتی که می‌گوید اگر یوم الشک را روزه گرفت باید قضا کند، یعنی صامه علی انه من شهر رمضان، نه به‌خاطر اینکه وقتی من شک دارم همینطور به‌خاطر شهر رمضان نیت کنم. صامه علی انه من شهر رمضان عملاً برواياة العدد. از اینجا است که حضرت می‌فرمایند «قضاه». ولو هم روزه گرفته باید قضا کند. ولو بعداً هم متبین شود که یوم الشک ماه مبارک بوده، برای او فایده ندارد. چرا؟ چون او از باب احتیاط نگرفت. از باب صوم یوم الشکی که هر چه باشد، روزه نگرفت. از باب عمل به روایات عدد گرفت و گفت «شهر رمضان». «ازیده» هم یک جور معنایش این می‌شود. «ازیده» یعنی ازیده عملاً برواياة العدد؛ که ماه شعبان همیشه بیست و نه روز است و سیام آن هم ماه مبارک است. این هم یک محملی است.

شاگرد: بنابر اینکه روایات عدد معرضٌعنها باشد.

استاد: نه، در فضای صدور هستیم. در فضای صدور این روایت، دافع آنها است. معرضٌعنه، در اصحاب میآید. اصحاب عمل بکنند یا نکنند فضای دیگری است.

شاگرد: در فضای صدور یعنی روایت میگوید اگر به عدد عمل کنید باطل است.

استاد: بله، ببینید چون شنیده که ماه شعبان همیشه بیست و نه روز است، «فی الیوم الذی یشک فیه من رمضان» روی حساب متعارف او این روزه را گرفته چون شنیده که ماه رمضان سی نمیشود، لذا فرمودند «علیه قضائه». کسی که میخواهد طبق روایت عدد سیام شعبان را روزه بگیرد، روزهاش باطل است. این صورت دیگر ندارد الوقوع نیست. چرا؟ چون آن روایات معروف بوده و در دستها بوده. خیلی از افراد آنها را شنیده بودند و بهعنوان انه من رمضان روزه میگرفتند. ولذا این محمل نزدیک به محمل مشهور است. یک توجیهی برای آن است، توجیهی هم هست که با ندرت وقوع هم همراه نشود. میگوییم «صامه علی انه من شهر رمضان» با عنایت به اینکه روایات عدد میگوید شهر شعبان سیام ندارد، اگر به این صورت گرفت، علیه قضائه.

شاگرد: روی این مبنا یعنی اگر براساس عدد جلو بروید باطل میشود.

استاد: بله، من میخواهم بگویم از ناحیه این دو روایت مقابله شدید است. ولی روایت اصل درست، نمیدانم با این محمل جور در میآید یا نه.

شاگرد: نظر مشهور چه بود؟

استاد: نظر مشهور این بود که بین دو روایت جمع کرده بودند. روایات بسیاری گفته بودند اگر روزه گرفتی و متبین شد که از ماه مبارک است مجزی است. دو روایت هشام و ابن مسلم گفتند اگر سوم الشک را روزه گرفتی فایدهای ندارد و باید دوباره قضا کنی. مشهور به این صورت جمع کردند: دو روایتی که میگوید فایده ندارد و باید قضا کنید، یعنی «صمته علی انه من شهر رمضان». آنهایی که میگویند مجزی است یعنی «صمته علی انه من شهر شعبان». مشهور به این صورت جمع کرده بودند. این بیان جدید محملی است برای حرف مشهور بهنحویکه مفهوما تخصیص پیدا میکند. اما از نظر وقوع در زمان صدور میتواند کثیر الوقوع باشد. یعنی عدهای زیادی بهخاطر اینکه این روایات در دستشان بود به این صورت نیت میکردند. این روایت دارد آنها را میگوید. میگوید کسانی که به این صورت نیت میکردند باید قضا کنند.

شاگرد: یک محمل هم میتواند این باشد که اگر به نیت شعبان باشد درست است و روایاتی که «لاتودی بالشک» هم برای جایی است که طرف نیت شعبان نمیکند و حالت مردد میگیرد.

استاد: یعنی محمل دیگری است؟

شاگرد: فرمودید مشهور میگوید به این دلیل باطل است که چون «انه من رمضان» گرفته است. من میگویم اینجا را تصحیح کنیم و بگوییم حتی آن جایی که مردد گرفته را هم شامل میشود.

استاد: نه، این همان وجه سومی بود که در عروه خواندیم.

شاگرد: میخواهم بگویم اصول سته عشر احتمال واضحش نسبت به آنهایی که فرمودید این است. یعنی فرض «لاتودی علی الشک» جایی است که آن شخص اصالًنیت شعبان نکرده و با همین حالت شک روزه گرفته؛ یعنی اگر رمضان باشد رمضان و اگر شعبان باشد شعبان.

استاد: یعنی «علی الشک» در روایت «درست»، دارد حرف میزند که چرا قضا میکند. چون از شعبان که نگرفته و «علی انه من رمضان» هم که اصلاً فرض روایت نیست. پس چون با حال شک گرفته «لاتودی علی الشک». یعنی فتوای سید در فرض سوم تأیید میشود. ولی نه با استدلال تردید در نیت. این نکته مهم است؛ با استدلال اینکه ان الفرائض لاتودی بالشک. این مضمون دیگری است.

شاگرد: تردید در نیت در اینجا تصور ندارد؟

استاد: در تودی علی الشک؟

شاگرد: نه، شخصی که نمیداند امروز ماه شعبان ای رمضان است، تردید در نیت تصور ندارد؟

استاد: دارد. مثلاً بگویی من امروز روزه هستم... .

شاگرد: میخواهم تردید در نیتی شود که به عبادت ضرر میزند.

> 45:15

استاد: میگویی من امروز هستم اگر ماه مبارک باشد. و الا روزه نیستم. این یک جور تردید است. قبول هم کردند. روزه هستی ای نیستی؟ با «اگر» هستم. اگر ماه مبارک باشد هستم اما اگر نیست نیستم. خب حالا هستی ای نیستی؟ این تردید در نیتی است که به حمل شایع تردید است.

شاگرد: اگر به این صورت بگویی تردید نیست؟ بگویی من روزهام اما نمیدانم روزه شعبان است ای رمضان.

استاد: نه، آن تردید در عنوانش است. در روزه که شک ندارد. قاطعانه امروز روزه است. تردید در جایی است که میگویی روزه هستم و نیستم. این تردید، تردید خوبی است.

شاگرد: این تردیدی که من میگویم قائل به بطلان ندارد؟

استاد: سید فرمودند.

شاگرد۲: همین روایت هم با همین موافق است.

استاد: بله، تودی علی الشک.

شاگرد: یعنی اگر نیت رمضان پشت آن باشد فایدهای ندارد.

بازبینی #1
ایجاد شده 20 مه 2026 14:10:00 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 مه 2026 14:12:02 توسط ... .